خبر کوتاه

با فرهاد یا بدون فرهاد؛ با جواد یا بدون جواد!

اردشیر لارودی

می‌توان گفت فوتبال ایران، از سردرگمی و بلاتکلیفی چه باید بود و چه نباید، خارج می‌شود! می‌توان گفت فوتبال ایران، حالا می‌داند که چه می‌خواهد و چرا می‌خواهد و در این رهگذر، این کار را انجام می‌دهد و آن کار را، هیچ‌کاری به کارش ندارد! بایکوت محافظه‌کاری، خط بطلان بر ترس کشیدن! می‌توان گفت که فوتبال ایران، دوباره صاحب برنامه‌ای «روتین» شده است و می‌داند چرا امروز را به پایان می‌برد تا فردا را آغاز کند و می‌خواهد از یک برنامه روتین دیگر که شکست‌آفرین است، خارج شود! می‌توان گفت که همزیستی اولیه با «کرونا ویروس» وارد مرحله‌ای شده است که طرفین، یکدیگر را به رسمیت شناخته‌اند! و این مقدمه‌ای است بر آزادسازی انرژی درونی فوتبال! می‌توان گفت فوتبال ایرانی، خود را از جاخوردگی اولیه ناشی از هجوم حریفی غدارتر از همه حریفان سنتی و آشنا خارج کرده است! حالا «بلدیم» که از دانسته‌های خود استفاده کنیم و حالا می‌توانیم یک کاری انجام بدهیم! حالا مصممیم که کرونا را «چال» کنیم و به رغم تمام «مرموزیت» ویروس کرونا، حالا جوری از این بلد حرف می‌زنیم و درباره اش بحث می‌کنیم که انگار مهارش کرده‌ایم و به مهمیزش بسته‌ایم! و این یعنی که بسته‌ایم و محکمتر هم خواهیم بستش!

بدون این دو یا با هر دو

خبر کوتاه است: لیگ برتر، از ۲۹ خرداد آغاز خواهد شد! و این آغاز بر عهده دو تیم «کمال یابنده» در بازی‌گری است... فولاد و استقلال! به عبارت دیگر، فرهاد و جواد! به عبارت دیگر، مربیانی که بر پیشانی‌شان، مأموریت‌های خاصی نوشته و حک شده است! مربیانی که قادرند کاری از پیش ببرند! مربیانی که برای خود، کوچک‌بینی و خود اندک‌شماری معمول را ترجیح نمی‌دهند! فرهاد و جواد! مجیدی و نکونام! و این بار، نه علیه یکدیگر که کنار هم! مأمور به انجام وظیفه‌ای که بزرگ است و بزرگترین است! نه، اشتباه نشود! منظور غلبه بر «ویروس کرونا» نیست که دیر یا زود، با جواد یا بی‌جواد، با فرهاد یا بدون فرهاد، انجام خواهد شد که این «روند» حکمش نوشته شده است! فوتبال ایران به پیشتازی و جلوداری مربیان جوان و دگراندیش خود، «پروسه» پیچیده‌ای را باید طی کند که از عهده جوانان صاحب‌سبک و صاحب فلسفه اش برمی‌آید! فوتبال ایران محکوم به گذر از مسیری است که نما و نمایش یک پروژه نه به‌خود به خودی، بلکه اراده‌گرا و از پیش خواسته شده را دارد! ... فوتبال ایرانی به یکی از گذرگاه‌های جهش‌آور رسیده است! چه بهتر که گذر از این مرحله با راهبری و فرماندهی جوانانش باشد! جوانانی که مأموریت تغییرپذیری و دگرگون‌خواهی را، از روزی برعهده گرفتند که زیر نظر برونو متسو و کاماچو، مربیگری را در قالب شاگردانی شایق یادگیری به شکلی متفاوت از شیوه کهن یاد گرفتند و آموختند! (از متسو به شکلی ویژه‌تر باید ممنون شد و ممنون ماند! متسو در قواره فرهاد یک مربی متفاوت برای ما ساخته است!)

باید گفت‌ها

... که گفت از سابقه ناامید نشد!... و گفت قطع این مرحله بی‌پیر مکن!... و یادآور شد، فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازم!... و اینک همان زمان مناسب است برای اینکه فوتبال خود را از کهنه‌اندیشی‌های سخت و مزاحم، بلکه سرسخت و عنادگر رها کنیم!مقابله با بلیه‌ای که آوار شده است، روحی آنچنان قوی و روحیه‌ای آنچنان برتری‌طلبانه داده است که «به‌خودی خود» در مسیر حرکتی شتابنده‌تر به حرکت درآمده‌ایم! پشت‌سر گذاری مرحله آغازین مبارزه با کرونا ویروس، چیزی -عامل و توانی از جنس دیگر- به فوتبال ایرانی می‌دهد که بیا و ببین! در این مسیر، هرکه آمد خوشامد و هر که «کُپ» کرد و قادر به همپایی نشد و تصمیم به عقب ماندن نگرفت، عِرض خود می‌بَرد و زحمت ما می‌دارد که اینجا، جولانگه شاهین است! باید پرواز در اوج را تحفه وجودی خود کرده باشی!

ورود وزارت اطلاعات به موضوع دلالی در فوتبال

مدیرکل حراست وزارت ورزش گفت: این وزارتخانه حتما برای دلالانی که به صورت غیرقانونی در فوتبال کار می‌کنند برنامه دارد و از ظرفیت وزارت اطلاعات هم استفاده می‌کنیم.

به گزارش پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان، جعفر سمیعی مدیرکل حراست وزارت ورزش در خصوص تایید صلاحیت کاندیداهای مجامع فدراسیون‌های ورزشی گفت: معاونت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای توسط دفتر امور مشترک فدراسیون‌های ورزشی، اسامی را به حراست اعلام می‌کند و کار استعلام را انجام می‌دهیم که این کار زمان‌بندی مشخصی دارد.

وی همچنین در مورد اعتراض برخی از نامزدها مبنی بر رد شدن صلاحیت آنها در مجمع انتخابات فوتبال، افزود: این نظر شخصی دوستان است. در فدراسیون فوتبال یک هیات سه نفره به صورت شکلی صلاحیت آنان را بررسی می‌کند و ورود به صلاحیت مدیریتی، امنیتی و حراستی ندارد و اسامی را به دبیر فدراسیون اعلام و بعد از آن به مرکز حراست وزارتخانه اعلام می‌شود.

مدیرکل حراست وزارت ورزش و جوانان در خصوص دلالی در فوتبال خاطرنشان کرد: وزارت به طور حتم برای دلالانی که به صورت غیرقانونی در فوتبال کار می‌کنند، برنامه دارد و پرونده‌ای تشکیل شده و از ظرفیت وزارت اطلاعات هم استفاده می‌کنیم. به لحاظ قانونی نمی‌توانیم اسم کسی را بیاوریم و پرونده در حال تکمیل شدن است. وی درباره جرایم در فضای سایبری گفت: متاسفانه بی‌اخلاقی در ورزش زیاد دیده می‌شود و تنها شامل رشته فوتبال نیست و اشخاص خود باید پیگیر این قضایا باشند. امیدواریم این موضوعات در ورزش کمتر شود.

سمیعی درباره ویدئوی منتشر شده از فدراسیون شنا در سایت فدراسیون جهانی، گفت: این ویدئو حذف شد. این فیلم با یک ناهماهنگی منتشر شد و قرار نبود کار شود.

اتحاد عجیب‌الخلقه لیگ برتر دقیقا دنبال چیست؟

در شرایطی که رفته رفته تکلیف پیگیری لیگ های فوتبال در سراسر دنیا در حال مشخص شدن است و لیگ های بزرگ و کوچک دنیا به صفحه نتایج زنده برگشته اند، در ایران اما همچنان بحث با بیش ترین شدت ممکن جریان دارد.

بیش ترین حجم این بحث ها نیز از سمت اتحادی است که با بیش ترین شدت و حدت بر این عقیده است که لیگ برتر نه تنها باید لغو شود، بلکه قهرمان هم نباید مشخص شود و سهمیه ها نیز باید طبق جدول فعلی میان تیم های مختلف تقسیم شود. بزرگ ترین شعار این اتحاد نیز در راستای اصرار بر این مسئله، «جان مهم تر از جام» است. یعنی این اتحاد معتقد است که به خاطر سلامتی جامعه فوتبال، بهتر است لیگ پیگیری نشود. دقت کنید که اصرار این اتحاد تنها لغو لیگ نیست، بلکه لغو لیگ به همراه عدم تعیین قهرمان است. یعنی اگر قرار باشد لیگ لغو شود و جان مهم تر از جام شود اما قهرمان را معرفی کنند، آن گاه این اتحاد بار دیگر معترض خواهد بود و دوباره جام مهم تر از جان می شود!

برای شفاف تر شدن مسئله اما نیاز به بررسی بیشتر شرایط است. اینکه وضعیت کشور ایران از لحاظ محدودیت های بیماری کووید - ۱۹ چگونه است و سایر نقاط دنیا چه فرمولی را برای حل این مسئله با توجه به شرایط کشور خودشان انتخاب کرده اند. صورت مسئله بسیار واضح است. کشور ایران در لحظه نگارش این یادداشت به جز چند شهر خاص، در باقی شهرها شرایط کاملا - دقت کنید - کاملا عادی را از لحاظ محدودیت های این بیماری سپری می کند. یعنی اگر شما ندانید که چنین بیماری اصلا وجود خارجی دارد، بسیار بعید است که از ظاهر شهر و نوع زندگی مردم در شهر متوجه این مسئله شوید.

در شرایطی که تمامی شغل ها، ادارات دولتی، شرکت های خصوصی، کارخانه ها و ... بر سر کار خود برگشته اند و هیچ محدودیتی (به جز یک عدد ماسک و یک جفت دستکش در بهترین حالت) در محیط های کاری وجود ندارد، صحبت از عدم برگزاری فوتبال به علت سلامتی آن هم بدون تماشاگر بیشتر شبیه به یک شوخی نه چندان خنده دار است. نمی شود که ۹۹٪ فعالیت های جامعه در شرایط عادی باشد و تنها ۱٪ ادعا کنند که ما نمی خواهیم فعالیت کنیم چرا که سلامتی مان در خطر است! فوتبال البته در ایران از لحاظ اقتصادی یک رکن نیست که عدم برگزاری اش مثل بسیاری از نقاط دنیا به کشور ضربه مهمی بزند، اما در هر صورت برای افرادی که در آن فعالیت دارند، یک "شغل" محسوب می شود. نمی شود که ۹۹٪ شغل ها فعالیت خودشان را به اجبار آغاز کنند و ۱٪ ادعا کنند که به خاطر سلامتی حاضر به بازگشت بر سر کار نیستند آن هم در کشوری که امروزش هیچ فرقی با همین زمان در سال گذشته که اثری از این بیماری وجود نداشت، نکرده است.

حالا بگذارید کمی با اعداد و ارقام صحبت کنیم تا مسئله شفاف تر هم بشود. بوندس لیگای آلمان با آن قدرت بین المللی و دنبال کننده رسانه ای دوباره با قوانین مشخصی از سر گرفته شده است. بازی ها بدون تماشاگر است و درون استادیوم در زمان برگزاری بازی نباید بیشتر از ۲۱۳ نفر حضور داشته باشند. این البته ماکزیمم مقدار است. یعنی در بدترین شرایط ۲۱۳ نفر. این عدد برای بوندس لیگای دو ۱۸۸ نفر است. می دانیم که حتی بوندس لیگای دو نیز از لحاظ اعتبار رسانه ای کیلومترها از لیگ برتر ایران جلوتر است و طبیعتا افراد بسیار بیشتری در طول برگزاری بازی در استادیوم ها حضور دارند. واضح است که بسیاری از بازی های لیگ برتر ایران را می شود پشت درهای بسته با اعدادی کمتر از این مقدار برگزار کرد، مثلا ۱۵۰ نفر. برای برگزاری هر بازی لیگ برتر ایران پشت درهای بسته در بدترین حالت، به ۱۵۰ نفر در استادیوم نیاز است. حالا به نظر شما این عدد ۱۵۰ نفر تجمع در یک استادیوم عدد زیادی در جامعه ایران با توجه به وضعیت بیماری محسوب می شود؟

پاسخ خیر است. نه تنها خیر است که در جامعه ایران همین حالا، تجمعاتی بسیار بیشتر از این عدد هر روز جریان دارد. به یک مثال ساده و حداقلی توجه کنید. اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان رضوی که در شهر مشهد واقع است، ۱۳۵ نفر کارمند ثابت دارد. یعنی این روزها که قوانین دو سوم و یک سوم در بسیاری از ادارات دیگر اجرا نمی شود، هر روز باید ۱۳۵ نفر بر سر کار خود حاضر شوند. این عدد بدون محاسبه ارباب رجوع این اداره است. دقت کنید این مثال یک نمونه حداقلی از یک اداره استانی است نه یک سازمان یا وزارتخانه بزرگ در مقیاس کشوری. شاید بگویید در ادارات فاصله بین افراد مشخص است و مانند درون زمین فوتبال این گونه نیست که ۲۳ نفر در تماس مستقیم و نزدیک به هم باشند. اما باز هم این عدد ۲۳ عدد عجیبی نیست. در همین مثال، در هر طبقه از اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان رضوی ۱۷ نفر حضور دارند که کنار یکدیگر مشغول به کار هستند. مجددا تاکید می کنیم که این در شرایطی است که هیچ ارباب رجوعی در طول ساعت کاری در طبقات حضور نداشته باشد. پس عدد ۲۳ نفر نیز به هیچ عنوان عدد عجیبی محسوب نمی شود.

می بینیم که برگزاری یک مسابقه در لیگ برتر ایران بدون تماشاگر قرار نیست اتفاقی عجیب و شوکه کننده در این روزهای شیوع بیماری باشد. چرا که هر روز ما در هزاران نقطه تجمعاتی مشابه و حتی بیشتر را در طول روز تجربه می کنیم. حالا اصلا شاید شما بگویید فوتبالیست ها اختیار شغلشان به طور مستقیم دست خودشان است و عدم حضورشان در شغلشان نیز تاثیر مستقیم و زیادی بر اقتصاد کشور ندارد و می خواهند برای خودشان تصمیم گیری کنند. این گزاره را می شود با اغماض از بسیاری حقایق در بدترین حالت پذیرفت.

پس در چنین شرایطی لیگ می تواند با تصمیم مستقیم جامعه فوتبال و بازیکنان لغو شود. حالا در این میان عدم مشخص شدن قهرمان با چه متر و معیاری است؟ یعنی برای اینکه شعار جذاب "جان مهم تر از جام" تحقق پیدا کند باید هم لیگ لغو شود و هم قهرمان مشخص نشود؟ با چه منطقی تیمی که ۱۰ امتیاز (استقلال یک بازی عقب افتاده دارد و احتمال اینکه این عدد به ۸ تقلیل یابد وجود دارد اما در اصل قضیه خللی وارد نیست) با نزدیک ترین تیم فاصله دارد و تنها ۹ بازی نیز به پایان لیگ باقی مانده نباید همچون نمونه های خارجی مشابه (که فاصله معناداری در صدر جدول وجود داشته) به عنوان قهرمان معرفی شود؟ آن هم در شرایطی که این تیم تمامی بازی های سختش را برگزار کرده و تیم های تعقیب کننده اش نیز همه با یکدیگر بازی دارند. با هر فرمولی که شما محاسبه کنید، روی کاغذ در صورت عدم برگزاری لیگ همچون نمونه های خارجی مشابه، چنین تیمی لایق و شایسته صد در صدی کسب عنوان قهرمانی است. اگر دغدغه اتحاد عدم برگزاری لیگ واقعا جان جامعه فوتبال است، می شود بسیار ساده چنین فرمولی را اجرا کرد.

حالا به نقطه پایانی شفاف تر شدن مسئله می رسیم. جایی که فرض می کنیم خواسته این اتحاد به طور تمام و کمال اجرا شود. یعنی هم لیگ لغو شود و هم قهرمان تعیین نشود. تصمیمی که به درخواست مستقیم اکثر جامعه فوتبال برای حفظ سلامتیشان گرفته می شود. آن وقت این جامعه فوتبال و این بازیکنان تضمین می دهند تا ریشه کن شدن این بیماری قوانین بهداشتی موجود را رعایت کنند؟ یعنی تمام و کمال در خانه بنشینند، از خانه بیرون نروند، در مهمانی و تجمعات روزانه شرکت نکنند و تمامی قوانین بهداشتی موجود را رعایت کنند. طبیعتا وقتی بازیکنان و مربیان تا این اندازه نگران سلامتی خود و خانواده شان هستند که بر خلاف کل کشور حاضر شده اند از شغل خود عبور کنند، باید ابتدایی ترین قوانین بهداشتی را در راستای تحقق اهداف خود به کار گیرند. اما ما وقتی به صفحات شخصی همین بازیکنان یا مربیان سر بزنیم، موارد جالب توجهی را مشاهده می کنیم. آن ها همزمان با اینکه فریاد سلامتی خود و خانواده شان را سر می دهند، عکس های مهمانی منتشر می کنند، کنار استخر همراه با قلیان و دوستانشان حضور دارند، در کوه و دشت با دوستانشان می چرخند و عکس های جمعیتی منتشر می کنند. آیا آن ها تنها نگران سلامتی خود و خانواده شان هستند؟ باور کنید این شوخی ها اصلا خنده دار نیست.

تا لحظه نگارش پاراگراف آخر این یادداشت و طبق آمار مرجع Worldmeters ویروس منحوس چینی جان ۳۶۷۵۸۶ نفر از مردم سراسر دنیا را گرفته است. اتحاد مخالف برگزاری لیگ می تواند تمامی این عدد را هم مصادره کند و به آمار جدال کرونا و فوتبال اضافه کند اما باز هم تغییری در شفافیت ماجرای برگزاری یا عدم برگزاری لیگ برتر کشور ایران وارد نمی شود. در شرایطی که بسیاری از کشورهای دنیا به تصمیم واحدی برای برگزاری لیگ رسیده اند، در ایران هر روز نکات جدیدی از بحث و جدل منتشر می شود. سوء استفاده از یک بیماری جهانی که جان مردم بی گناه زیادی را گرفته است در راستای بغض و نفرت شخصی مسئله ای نیست که تاریخ به این زودی ها آن را فراموش کند.

چرا تراکتور دوست دارد حرفش را بخوانند؟

فرشاد کاس‌نژاد

موضع باشگاه‌های خصوصی درباره تعطیلی یا برگزاری لیگ برتر در روزهای شیوع کرونا نشان می‌دهد که ساز و کار رایج اقتصادی در فوتبال ایران باشگاه‌داری را تا چه اندازه زیان‌آور کرده است. باشگاه‌داری در ایران هیچ شباهتی به یک فعالیت اقتصادی ندارد و سرشار از هزینه و زیان است. زیان‌هایی که هر روز با افزایش قیمت‌ها برای فوتبال مرگبار می‌شوند.

این فشار اقتصادی بر فوتبال که برآمده از سیاست‌های باشگاه‌داری و سیاست‌های اقتصادی رایج در ورزش حرفه‌ای ایران است، باشگاه‌ها را دچار موضع‌گیری‌های حق به جانب می‌کند. باشگاه خصوصی مثل تراکتور از تهدید به کناره‌گیری از لیگ برتر ابایی ندارد، مالک باشگاه با هزینه‌های بی‌بازگشت در فوتبال خود را صاحب حق اعتراض به همه چیز می‌داند و دوست دارد به بقیه بفهماند که حضورش در فوتبال را باید قدر بدانند و حرفش را بخوانند. این نه فقط محصول نگاه غیرحرفه‌ای مالک خصوصی، بلکه برگرفته یا زاییده شرایط حاکم بر فوتبال ایران است.

همین دیروز در خبرها محاسبه کرده بودند که اگر پرسپولیس در فصل جاری قهرمان شود، ۲۰ میلیارد تومان بیشتر متضرر می‌شود، چون قراردادهای بازیکنان پرسپولیس مثل اغلب تیم‌های دیگر گزینه‌های افزایشی دارد که با قهرمانی تیم فعال می‌شود. در فوتبال ایران حتی قهرمانی خالق درآمدهای تازه نیست و فقط به بار هزینه‌ها می‌افزاید و باشگاه قهرمان را ۲۰ میلیارد تومان بیشتر دچار زیان می‌کند. مالک باشگاه نساجی قائمشهر نیز چند روز پیش گفته بود که از ابتدای فصل تا امروز ۳۰۰ میلیون درآمد داشته و ۴۰۰ میلیون جریمه انضباطی پرداخت کرده است. چه پرسپولیس با مالکیت دولتی و چه نساجی با مالکیت خصوصی، چه پرسپولیس با گستردگی طرفدارانش و چه نساجی به عنوان تیمی کوچک از یک شهر کوچک، همه با هم در یک پروژه زیان‌آور بازی می‌کنند و هر که بامش بیش، برف زیان نیز بیشتر بر بامش می‌بارد.

چنین بلبشویی را در باشگاه‌داری تا همیشه نمی‌توان ادامه داد. دیگر همه در فوتبال ایران فهمیده‌اند که با این حجم از زیان‌هایی که به بار می‌آیند، نه بخش خصوصی رغبتی برای حضور در این کارزار دارد و نه دولت می‌خواهد از پس هزینه‌ها برآید. دو باشگاه استقلال و پرسپولیس نزدیک به ۸۰۰ میلیارد تومان بدهی انباشته، زیان و بدهی مالیاتی دارند و این رقم هر سال می‌تواند بزرگ‌تر باشد. غم‌انگیزترین و آخرین نمونه‌اش اینکه قهرمانی پرسپولیس یعنی ۲۰ میلیارد زیان بیشتر.

مالک خصوصی در فوتبال ایران چهره ناواردی مثل زنوزی است که ارقام عجیب و غریبی را در مقایسه لیگ ایران و لالیگا و لیگ برتر به زبان می‌آورد: «انگلیس حدود دو هزار میلیارد و ۲۵۰ میلیون یورو و اسپانیا ۱۸۰۰ میلیارد یورو از طریق حق پخش تلویزیونی درآمد دارند، ما را با چه کسی مقایسه می‌کنند؟» زنوزی اعداد و ارقام بیراهی را به بحث می‌گذارد و طبق گزارش سایت بازار ورزش ۱۸۰۰ میلیارد یورویی که او به عنوان درآمد تلویزیونی لالیگا ذکر کرده حتی از تولید ناخالص داخلی اسپانیا هم بیشتر است! تولید ناخالص داخلی اسپانیا حدود ۱۴۰۰ میلیارد یورو است. درآمد لالیگا از فروش حقوق پخش مسابقات ۱/۶ میلیارد یورو در سال است. یعنی ۱۶۰۰ میلیون یورو. لیگ برتر انگلیس هم که گران‌ترین حقوق پخش یک لیگ فوتبال را دارد، درآمد سالیانه‌اش از این محل ۳/۲ میلیارد یورو است. ۳۲۰۰ میلیون یورو. دو هزار میلیارد و ۲۵۰ میلیون یورویی که آقای زنوزی

گفته در حد تولید ناخالص داخلی بریتانیا است!

اما فارغ از این خطاهای محاسباتی و آمار و ارقام بی‌ربط مالک تراکتور، آنچه می‌تواند در فوتبال ایران خطرناک و خانمانسوز باشد، همین نگاه و موضع است که مالک باشگاه خصوصی خود را در موقعیتی می‌بیند که بتواند خودرأی باشد یا بتواند با خواست‌اندیشی حرف بزند. این عاقبت خصوصی‌سازی در فوتبالی است که مقدمات فعالیت سالم بخش خصوصی واقعی را فراهم نمی‌کند و فرمان خصوصی‌سازی برایش صادر می‌کند. باشگاه‌هایی که تا خرخره غرق در بدهی هستند و ای‌اف‌سی هر لحظه می‌تواند مجوز حرفه‌ای آنها را به دلیل همین متعهد نبودن در امور مالی باطل کند، چگونه می‌توانند وارد مرحله خصوصی‌سازی شوند. بخش خصوصی هم وقتی وارد این فوتبال شود، شما با مالک تراکتور مواجه می‌شوید که لابد با خود می‌گوید «زیان می‌کنم، پس می‌توانم هر تصمیمی بگیرم و به هر کج‌راهه‌ای قدم بگذارم.»

اولین و گران‌ترین خرید یحیی لو رفت

همین ابتدای گزارش باید یادآوری کنیم که این خبر ممکن است از سوی پرسپولیسی‌ها یا مدیران ذوب‌آهن و حتی خود دانیال اسماعیلی‌فر تکذیب شود، چون تاپ سِکرت است!

روز اول یحیی گل‌محمدی که مدیران شهرخودرو مدعی بودند تحت فشار زیاد مجبور به صدور رضایتنامه‌اش برای پرسپولیس شده‌اند، در جمع خبرنگاران حاضر شد و صحبت عجیبی را مطرح کرد. او در پاسخ به سؤالی درباره جذب اوساگونای نیجریه‌ای گفت: «درباره اوساگونا ۱۰ روز قبل با من مشورت کردند و من هم تأیید کردم. وقتی در شهرخودرو هم بودم، می‌خواستیم با این بازیکن مذاکره کنیم. امیدوارم برای تیم مؤثر باشد.» در ادامه خبرنگاری پرسید این پرسپولیسی‌ها بودند که ۱۰ روز قبل از او درباره اوساگونا استعلام گرفتند؟ که او با حالتی پریشان بدون اینکه به این سؤال پاسخ بدهد مصاحبه را تمام کرد. البته شاید حق هم داشت که پاسخی برای این سؤال نداشته باشد. ۱۰ روز قبل از زمانِ انجام مصاحبه، او سرمربی شهرخودرو بود و طبعاً باید برای نقل‌وانتقالات این تیم مشورت می‌داد و همان زمان نیز پرسپولیسی‌ها از تلاش‌ها برای بازگرداندن کالدرون می‌گفتند و مدعی بودند درباره نقل‌وانتقالات با او مشورت می‌کنند! پس از این سوتی سرمربی جدید خیلی‌ها مدعی شدند لیست ورودی و خروجی پرسپولیس در نیم‌فصل را نیز یحیی گل‌محمدی داده است نه کالدرون!

یکی از تیم‌هایی که در نیم‌فصل گفته می‌شد علاقه‌مند به جذب دانیال اسماعیلی‌فر است پرسپولیس بود. گویا باشگاه پرسپولیس اعلام آمادگی کرده بود دو بازیکن خود را با دانیال اسماعیلی‌فر معاوضه کند، اما ذوبی‌ها جوابی به این پیشنهاد نداده‌اند. در همان مقطع شنیده شد باشگاه پرسپولیس حاضر است حسین ماهینی (بازیکن سابق ذوب‌آهن) به علاوه یک بازیکن دیگر را به تیم اصفهانی بدهد و اسماعیلی‌فر را در اختیار بگیرد که مورد موافقت ذوبی‌ها قرار نگرفت و مدافع بوشهری راهی نساجی مازندران شد.

همچنین تراکتور تبریز تیم سابق اسماعیلی‌فر نیز خواهان جذب این بازیکن شد که ذوب‌آهن با این نقل و انتقال مخالفت کرد. شنیده شد تراکتوری‌ها حاضر بودند برای این بازیکن ساروی ۶ میلیارد تومان (به خودش و ذوب‌آهن) پرداخت کنند. این در حالی بود که قرارداد اسماعیلی‌فر با ذوب‌آهن ۲ میلیارد تومان است.

دانیال اسماعیلی‌فر خودش بر این باور است که در پایان لیگ نوزدهم قراردادش با ذوب‌آهن به پایان می‌رسد و بازیکن آزاد می‌شود. در این شرایط خیلی‌ها تصور می‌کردند اگر ذوب‌آهن در نیم‌فصل اسماعیلی‌فر را به تیم دیگری نفروشد در پایان فصل عایدی مالی از جدایی او نخواهد داشت اما...

مدیرعامل باشگاه ذوب‌آهن اعلام کرد دانیال اسماعیلی‌فر تا نیم‌فصل لیگ بیستم با این باشگاه قرارداد دارد. در آن مقطع جواد محمدی در گفت‌وگویی اعلام کرد اسماعیلی‌فر تا نیم‌فصل لیگ برتر فصل آینده با ذوب‌آهن قرارداد دارد. این بازیکن شمالی در نیم‌فصل لیگ هفدهم برای گذراندن خدمت سربازی از ذوب‌آهن به صورت قرضی راهی تراکتور شد و این در حالی بود که از دید مدیران ذوب‌آهن در لحظه جدایی یک فصل و نیم از قراردادش باقی‌مانده بود. دانیال در ابتدای لیگ نوزدهم به ذوب‌آهن بازگشته در حالی که مدیران ذوب‌آهن معتقدند باید تا نیم‌فصل لیگ بیستم در این تیم حضور داشته باشد و به قراردادش پایبند باشد!

شنیده‌ها حکایت از آن دارد که دانیال اسماعیلی‌فر سرلیست یحیی گل‌محمدی برای فصل آتی است. گرچه سرمربی پرسپولیس برای حفظ روحیه تیمی و برهم نزدن آرامش بازیکنان خودش گفته هیچ لیستی ندارد، اما نمی‌تواند از دانیال اسماعیلی‌فر شاگرد قدیمی خودش در ذوب‌آهن بگذرد. گل‌محمدی معتقد است اسماعیلی‌فر بهترین بازیکن سمت راست ایران است که می‌تواند حتی در تیم ملی هم فیکس باشد.

دانیال اسماعیلی‌فر همان‌طور که نوشتیم اهل شهر ساری و گفته می‌شود پرسپولیسی است! او سال‌ها در ذوب‌آهن توپ زده و مدتی هم به خاطر خدمت سربازی به تراکتور تبریز رفت و حالا می‌تواند با خیال راحت سرخپوش شود.

شنیدیم خرید اسماعیلی‌فر چندان آسان نیست. باشگاه ذوب‌آهن مدعی است او ۶ ماه دیگر (تا پایان نیم‌فصل اول لیگ بیستم) با این تیم قرارداد دارد. به همین خاطر خیلی بعید است رضایت بدهد، اما ظاهراً یکی از ایجنت‌های مشهور فوتبالی مدعی شده رضایتنامه بازیکن مورد علاقه یحیی گل‌محمدی را با ۶ میلیارد تومان خواهد گرفت؛ ۳ میلیارد تومان برای باشگاه ذوب‌آهن و ۳ میلیارد تومان برای خود اسماعیلی‌فر! رقمی که باشگاه پرسپولیس باید برای رضایتنامه گل‌محمدی به باشگاه شهرخودرو پرداخت کند و حالا... به نظر می‌رسد این رقم برای اسماعیلی‌فر که هنوز سابقه ملی هم ندارد سنگین باشد.

هافبک فعلی ذوب‌آهن اصفهان به پیراهن‌های شماره ۱۱ و ۸ علاقه‌مند است. شماره‌هایی که هم‌اکنون در پرسپولیس در اختیار کمال کامیابی‌نیا و احمد نوراللهی است. دو بازیکن باسابقه پرسپولیس که گل‌محمدی نیز اعتقاد خاصی به سبک بازی آن‌ها دارد. بنابراین دانیال باید قید این شماره‌ها را بزند. شنیدیم واسطه‌ای که مشغول مذاکرات پنهانی با این بازیکن ساروی است به او گفته می‌تواند از میان پیراهن‌های شماره ۱۰ و ۲۳ (شماره‌ای که قبلاً اسماعیلی‌فر در ذوب‌آهن پوشیده) یکی را انتخاب کند!

اخبار

۲ میلیارد تومان، سقف قرارداد فصل آینده استقلال

کاملاً بدیهی است که باید از هم‌اکنون سیاست‌گذاری‌های نقل و انتقالاتی را به طور شفاف تدوین کرد و از حریفان عقب نیفتاد در غیر این صورت همه چیز به سود رقبا تغییر خواهد کرد. تدارکات برای فصل بعد از مدت‌ها قبل در باشگاه استقلال آغاز شده و حالا کم‌کم وارد مراحل حساس خود شده است. طبق برنامه از قبل تدوین شده بازیکنان به صورت محرمانه و چراغ خاموش در ساختمان باشگاه حاضر می‌شوند تا اقدامات لازم جهت تمدید قرارداد صورت بگیرد البته کاملاً بدیهی است فقط با نفراتی مذاکره خواهد شد که فرهاد مجیدی تمایل برای تمدید قراردادهایشان داشته باشد.

طبقه‌بندی بازیکنان

شکل کار در استقلال بر این پایه استوار شده که به موازات مذاکره با چهره‌های شاخص تیم‌های دیگر، گفتگو با مهره‌های کلیدی کنونی استقلال برای تمدید قرارداد نیز جلو برود. قرارٍ است بازیکنان فعلی طبقه‌بندی شده و عملاً در سه دسته قرار بگیرند؛ دسته‌هایی که رقمٍ قرارداد مد نظر باشگاه برای تمدید آن‌ها کاملاً متفاوت خواهد بود. اقدامی که در فوتبال روز جهان مرسوم است و در فوتبال خودمان نیز به نوعی چند سالی است که انجام می‌شود. مهره‌های فوق العاده تأثیرگذار و ملی‌پوش در دسته اول قرار می‌گیرند، نفراتی که تعدادشان قاعدتاً کمتر از دو گروه دیگر است. بخش اعظمی از بازیکنان استقلال نیز در دسته دوم طبقه‌بندی می‌شوند که میزان دریافتی آن‌ها کمتر از گروه اول خواهد بود. دسته سومی هم وجود دارد که شامل بازیکنان جوان و کم‌تجربه می‌شود. البته به احتمال زیاد نفرات تیم‌های پایه استقلال در این طبقه‌بندی‌ها قرار نخواهند داشت.

تصمیم‌گیری با نظر سرمربی

مواردی که برشمردیم و سایر سیاست‌های نقل و انتقالاتی استقلال به هیچ عنوان دخالت در کار فرهاد مجیدی تلقی نشده و تمام عوامل اجرایی باشگاه تأکید دارند پیرامون جذب نفرات جدید، تمدید قرارداد بازیکنان کنونی و خداحافظی کردن با بعضی مهره‌ها، سرمربی تیم به عنوان مرد شماره یک امور فنی حرف نهایی را خواهد زد و کسی بدون هماهنگی با او کاری خارج از برنامه انجام نخواهد داد. چند روز قبل نیز احمد سعادتمند صراحتاً اعلام کرد منتظر ارائه فهرست از طرف فرهاد مجیدی است تا فعالیت‌های نقل و انتقالاتی را به صورت جدی‌تری آغاز کند.

سقف قرارداد

اما مهم‌ترین نکته‌ای که در رابطه با قراردادهای فصل آینده استقلال به گوش می‌رسد، تعیین سقف برای پرداخت به بازیکنان است. با توجه به شرایط اقتصادی و احتمال کاهش درآمدها به واسطه شیوع ویروس کرونا، کاملاً بدیهی است که تمام تیم‌های لیگ برتری (یا حداقل اغلب آنها) در رابطه با امور مالی دست به عصا راه بروند. از قرار معلوم، استقلال می‌خواهد شرایط را به گونه‌ای جلو ببرد که برای فصل آتی سقف پرداختی‌هایش به بازیکنان حداکثر ۲ میلیارد تومان باشد. قاعده‌ای که البته با توجه به سوابق لیگ برتر احتمال رعایت شدن آن اصلاً زیاد نیست و می‌توان تصور کرد که حداقل چند نفر از این قاعده بنابر دلایل مختلفی مستثنی شوند.

جذب یحیی چقدر برای پرسپولیس هزینه داشت؟

از روزی که محمدحسن انصاری‌فرد توانست رضایتنامه یحیی گل‌محمدی را از فرهاد حمیداوی مالک باشگاه شهرخودرو بگیرد، گمانه‌زنی‌های متعددی درباره هزینه پرسپولیس برای کادر فنی تیمش صورت گرفته است. پیش از این گفته می‌شد حمیداوی برای موافقت با جدایی یحیی، ۶ میلیارد تومان از پرسپولیس گرفته که البته هنوز این پول به باشگاه شهرخودرو پرداخت نشده است. درباره توافق انصاری‌فرد با گل‌محمدی هم روایات متفاوتی منتشر شده است.

ایسنا در گزارشی به تاریخ ۲۴ دی سال گذشته مدعی شد مبلغ قرارداد ۱,۵ ساله سرمربی جدید پرسپولیس، ۳ میلیارد تومان است منتهی روزنامه خبرورزشی مدعی شد پرسپولیس به یحیی ۶,۷ میلیارد تومان برای ۱,۵ سال پرداخت خواهد کرد. بدین صورت که قرارداد او برای نیم فصل ۲,۲ میلیارد تومان است و فصل آینده هم این مربی، ۴,۵ میلیارد تومان از پرسپولیس خواهد گرفت. در چنین شرایطی اخبار جدیدی درباره رقم قرارداد پرسپولیس با یحیی منتشر شده است. ارقامی که مشخص نیست شامل آپشن‌های قرارداد هم خواهد شد یا اینکه این توافق، بدون در نظر گرفتن بندهای مربوط به پاداش بوده است.

بر اساس روایت جدید، پرسپولیس جدا از ۶ میلیاردی که باید به شهرخودرو پرداخت کند(و البته هزینه میلیاردی به عنوان جریمه دیرکرد) قراردادی بسیار گران با گل‌محمدی بسته است. بدین صورت که دریافتی او از پرسپولیس برای نیم فصل دوم لیگ برتر امسال، ۳ میلیارد تومان و برای فصل آینده ۸ میلیارد تومان خواهد بود. خبری که اگر صحت داشته باشد، یعنی ارزش قرارداد یحیی با پرسپولیس، ۱۱ میلیارد تومان برای ۱,۵ سال است که او را تبدیل به گرانترین مربی لیگ برتر می‌کند.

جدا از این ۱۱ میلیارد، ۳ میلیارد هم هزینه دستیاران یحیی است که اگر ۶ میلیارد رضایتنامه گل‌محمدی را هم به